

مبانی کلامی توسعه پایدار

سعید فراهانی فرد*

استادیار دانشکده علوم اقتصادی تهران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۴؛ تاریخ تصویب: ۸۸/۱۱/۲۳)

چکیده

دانش اقتصاد با وجود این که در علوم تجربی رقم خورده است، اما متأثر از اعتقادات و ارزش‌ها است. به‌علاوه، نظام‌های اقتصادی که اهداف و جهت‌دهی این دانش را به عهده دارند، نیز بر مبانی کلامی و ارزشی استوار می‌باشند. توسعه پایدار یکی از مقولات دانش اقتصاد است که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از دانشمندان توسعه را به خود جلب کرده است. نگرانی‌های ناشی از تخریب محیط‌زیست و از بین رفتن حقوق نسل‌های آتی، علاوه بر اقتصاددانان، دانشمندان علوم دیگر را نیز به تأمل واداشته است.

فرضیه ما در این تحقیق این است که ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری در غلبه بر مشکل ناپایداری توسعه، ناشی از مبانی فلسفی و کلامی این نظام بوده و نظام اقتصادی اسلام با بهره‌مندی از تعالیم دین مبین اسلام، بر مبنایی استوار است که زمینه پیامدهای منفی توسعه‌یافتگی را از بین برده و رفاه عمومی همه افراد را اعم از انسان‌های موجود و افراد نسل‌های آتی را تأمین خواهد کرد. در این مقاله با استفاده از آیات و روایات به معرفی مبانی کلامی توسعه پایدار پرداخته و اثبات خواهیم کرد که این مبانی زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی

توسعه پایدار، اقتصاد اسلامی، لیبرالیسم، مبانی کلامی توسعه پایدار، محیط زیست.

مقدمه

دانش توسعه که با هدف بومی‌سازی نسخه‌های اقتصاد کلان به منظور ارتقای رفاه انسان، خصوصاً در کشورهای جهان سوم بنا نهاده شد، با خصلت زیاده‌خواهی کشورهای توسعه‌یافته و نیز مشکلات ساختاری کشورهای در حال توسعه مواجه شد. کشورهای توسعه‌یافته برای بقای توسعه و کشورهای در حال توسعه نیز در جهت رسیدن به اهداف توسعه با دشواری‌هایی مواجه شدند.

دولت‌ها می‌کوشیدند تا از منابع زیست‌محیطی موجود حداکثر بهره‌برداری را با عنوان «بهره‌وری» به عمل آورند و غارت طبیعت برای رسیدن به توسعه، به تدریج خود آفت توسعه شد. این حرکت پُرشتاب در جهت مصرف منابع و سبقت جستن در بهره‌برداری از ذخایر موجود در طبیعت، می‌رفت تا آینده تاریکی را برای این کره خاکی به تصویر بکشد، کره‌ای تهی، آلوده و غیرقابل زیستن برای آیندگان.

در چنین فضایی بود که بحث توسعه پایدار مطرح شد. بحث از توسعه‌ای که ضمن برآورده ساختن نیازهای فعلی بشر در جوامع مختلف، هیچ‌گونه لطمه‌ای به ظرفیت‌های موردنیاز نسل‌های بعدی وارد نیاورد. در توسعه پایدار، هر نسل باید منابع آب، هوا و خاک را خالص و بدون آلودگی، همانند زمانی که این منابع بر روی کره زمین بوده‌اند، حفظ کرده و برای نسل بعد باقی گذارد (پرمن، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸).

توجه اساسی حافظان چنین توسعه‌ای بر حفظ محیط‌زیست، و تحقق عدالت بین نسلی بود. به همین منظور، نشست‌های بین‌المللی متعددی مانند اجلاس ریو در این موضوع برقرار شد که حاصل آن‌ها پیمان‌ها و قراردادهای بین‌المللی بود که در ادبیات توسعه پایدار ثبت شد. از جمله می‌توان به نخستین کنفرانس سازمان ملل در این باره اشاره کرد که در استکهلم (۱۹۷۲) تشکیل شد و از دستاوردهای آن، بیانیه محیط‌زیست انسانی است که نخستین بیانیه مشترک ۱۱۳ کشور درباره توجه و تعهد آن‌ها به حفاظت از محیط‌زیست است. برپایی این کنفرانس، تأسیس نهادی به نام برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (یونپ) را سبب شد. هم‌چنین می‌توان اجلاس لاهه (۱۹۹۱) و اجلاس زمین در ریودوژانیرو (۱۹۹۲) را نام برد که با حضور نمایندگان ۱۷۶ کشور، ده‌ها سازمان بین‌المللی، ۳۵ سازمان منطقه‌ای

و بیش از ۱۵۰۰ سازمان غیردولتی تشکیل شد و مهم‌ترین مصوبه این اجلاس، «دستور کار ۲۲» یا «اعلامیه ریو» است. در حال حاضر بیش از ۸۰۰ قرارداد دو یا چندجانبه درباره محیط‌زیست و در پی آن توسعه پایدار وجود دارد که از زوایای مختلف، به جوانب این مسأله پرداخته‌اند. با این وجود، نقص مهم تمامی کنفرانس‌ها و اجلاس‌های برگزار شده و تمام قراردادها و اعلامیه‌های ارائه شده، این می‌باشد که می‌خواهند با همان الگوهای فکری حاکم که منجر به ناپایداری توسعه و تخریب محیط‌زیست شده‌اند، به مقابله با آن برخیزند؛ به همین جهت قراردادها و مصوبه‌های مجامع بین‌المللی، با وجود ارزشمند بودن، از ابزار اجرایی لازم برخوردار نیستند.

از طرفی درک درست فلسفی از زیربنای فکری این موضوع می‌تواند در ارائه راهکار عملی و درست از این مشکل مؤثر باشد، به همین جهت، ملاحظه می‌شود که علاوه بر اقتصاددانان و دانشمندان زیست‌محیطی که مسائل مرتبط با این موضوع را رصد کرده و درصدد ارائه طریق می‌باشند، فیلسوفان اخلاق و ارباب ادیان نیز به این مهم پرداخته‌اند. اعتقاد ما بر این است که در دین اسلام، مبانی فلسفی و کلامی، نظام اقتصادی به گونه‌ای طراحی شده است که پیشرفتی مشروع و پایدار را برای نسل انسان به دنبال دارد. چنین پیشرفتی، محیط‌زیست انسانی را از بین نمی‌برد و در استفاده از مواهب خداوند سهم نسل‌های آتی را در نظر می‌گیرد.

در این مقاله ما به دنبال بررسی مبانی کلامی توسعه پایدار هستیم. بنابراین باید مبانی را پیدا کنیم که علاوه بر تبیین توسعه ارکان اساسی پایداری توسعه، یعنی محیط‌زیست و عدالت را هم نتیجه دهد. در همین راستا، به معرفی خداوند، جهان هستی، انسان و رابطه آن‌ها با یکدیگر پرداخته و نقش این مبانی را در اجرای توسعه پایدار تبیین می‌کنیم.

ادبیات توسعه پایدار

بیش از سه دهه است که اصطلاح توسعه پایدار در ادبیات اقتصادی و مدیریت توسعه جای خود را باز کرده است، اما برداشت خبرگان از مفهوم دیدگاه‌های گوناگون به کلی متفاوت است. برخی چنین می‌پندارند که توسعه پایدار به معنای پایداری در توسعه یا به عبارت دیگر، تداوم امر توسعه است. لیکن اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین مفهوم فلسفی توسعه

پایدار در اواسط دهه هفتاد توسط سازمان یونسکو ابراز گردید که توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای امروز را برآورده می‌کند، بدون آن که سبب کاهش برآورده کردن نیازهای نسل آینده شود. توسعه پایدار، توسعه‌ای است که به موجب آن هر نسلی، آب، هوا و منابع زمین را حفظ کند و آن‌گونه است که فرایند توسعه که در آن مصرف منابع طبیعی و زیست محیطی نسل کنونی، سبب کاهش امکان مصرف این منابع توسط نسل‌های آینده نشود (پرمن، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸).

در این نگاه، مفهوم فلسفی توسعه پایدار، مبتنی بر فلسفه عدالت بین نسلی در استفاده از محیط زیست است. این فلسفه محور توسعه پایدار است که ما محیط‌زیست را از نسل‌های آینده به عاریت گرفته‌ایم و باید همان ظرفیت محیط‌زیست موجود را از طریق لحاظ کردن در برنامه‌ریزی‌های توسعه به آیندگان تحویل دهیم. برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و عملیات اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که خدشه‌ای در این امانت‌داری ایجاد نکند.

در مقابل این نگاه، رابرت سولو، اقتصاددان آمریکایی برنده جایزه نوبل، «در کتاب توسعه پایدار نگاه یک اقتصاددان» نگاه دیگری به مفهوم توسعه پایدار دارد. او بعد از نقد از تعریف یونسکو، توسعه پایدار را چنین بیان می‌کند:

فلسفه توسعه پایدار آن است که حق انتخاب و ظرفیت دسترسی به رفاهی حداقل مانند رفاه نسل کنونی را برای نسل آینده حفظ کند. سولو واژه پایدار را مترادف با قدرت اقتصادی ایجاد تداوم بین نسلی در رشد درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی می‌داند. در اینجا توسعه و رشد یکسان فرض می‌شوند. در دیدگاه سولو، محیط‌زیست و موجودات آن ابزاری هستند در جهت تداوم بین نسلی رشد درآمد ملی، آنچه که اهمیت دارد، ایجاد امکانات تداوم رشد اقتصادی است. به نقل از سولو، پایداری مستلزم حفظ نوع خاصی از جغد یا انواع ماهی یا انواع جنگل‌ها نیست، به فرض هم، اگر ما بخش مهمی از منابع محیط زیست را در خلال فعالیت‌های اقتصادی خود به انهدام بکشیم، این موضوع به خودی خود موجب بحران (به معنای اقتصادی کلمه) و در حکم فاجعه نخواهد بود، مشروط بر این که درآمد حاصل از این منبع صرف پس‌انداز ملی و نه مصرف شود. در مقابل، پس‌انداز ملی را باید صرف پژوهش و سرمایه‌گذاری برای ایجاد ظرفیت تبدیل

دراقتصاد و تولید اجتماعی کرد. از این طریق می‌توان ظرفیت جدیدی را جانشین ظرفیت قبلی نمود، بدون آنکه لطمه‌ای به تداوم بین نسلی رشد درآمد، وارد آید (مهرآرا، ۱۳۸۲، ص ۳). رپتو^۱ نیز ایده اصلی پایداری را شرایطی می‌داند که تصمیمات خارجی به دورنمای حفظ یا بهبود زندگی آیندگان صدمه نرساند (متوسلی، ۱۳۸۲، ص ۵۳). به نظر می‌رسد، دیدگاه زاكس را هم در همین راستا بتوان ارزیابی کرد. او در تعریف توسعه پایدار گفته است:

توسعه پایدار مستلزم فرآیند تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییرات نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد، یعنی صرفه‌جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان و تجدیدپذیر (زاكس، ۱۳۷۴، ص ۳۵).

در برخی از آثار، نیز بر چگونگی استفاده از منابع طبیعی اشاره شده و بر حفظ ذخایر آن منابع یا درآمد پایدار آنان تأکید ورزیده‌اند (پرم، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶).

دیوید پیرس اقتصاددان انگلیسی به نمایندگی از طیف اقتصاددانان در کتاب معیاری برای توسعه پایدار می‌گوید: توسعه پایدار، رشد پایدار بدون گسست یا حداقل عدم کاهش تولید سرانه، تولید ناخالص داخلی یا شاخص‌های دیگر مورد قبول توسعه است.

در نقطه مقابل اقتصاددانان، اکولوژیست‌های افراطی هستند. این دانشمندان با تشکیل جبهه‌ای به مراتب قوی‌تر از اقتصاددانان مقوله توسعه را مورد حمله قرار داده‌اند. در میان کتاب‌هایی که هم زمان با تشکیل اولین کنفرانس جهانی مربوط به محیط‌زیست انسانی و توسعه در ۱۹۷۲ انتشار یافت و مسائل توسعه را از ابعاد و دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌کردند، کتابی به نام محدودیت‌های رشد شهرت فراوان یافت و جنجال بزرگی به راه انداخت. این کتاب که به سرپرستی گروهی به نام کلوب رم توسط دانشگاه M.I.T و با استفاده از مدل‌ها و محاسبات گوناگون از طریق کامپیوتر تهیه شده، به این نتیجه می‌رسد که برای حفظ شرایط زیستی کره زمین باید از دو زاویه، یکی رشد اقتصادی و دیگری رشد جمعیت را هر چه زودتر متوقف کنیم؛ بدیهی است که این نتیجه‌گیری با اعتراضات و

1. Repetto (1985)

مخالفت‌های شدیدی در کشورها و بخش‌های مختلف مواجه شده و در درجه اول کشورهای در حال توسعه که راه پیشرفت خود را در رشد اقتصادی می‌بینند و به تمایلات حفاظت‌زیستی کشورهای توسعه یافته با شک و تردید می‌نگرند، از چنین اظهاراتی ابراز نگرانی کردند. این نگرانی کشورهای در حال توسعه بی‌اساس نیست، چون بحران کنونی که به طور عمده ناشی از توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای غرب است، بدون سوءاستفاده از منابع اولیه ممالک در حال توسعه میسر نمی‌گردد. اکنون که کشورهای در حال توسعه قدم‌های اولیه را در راه صنعتی شدن برمی‌دارند، استثمارگران زنگ‌های خطر را به صدا درآورده‌اند که مانع پیشرفت و بهبود سطح زندگی کشورهای فقیر شوند، حال آن‌که کشورهای توسعه یافته در سال‌های اخیر خود از رشد بی‌سابقه‌ای برخوردار بوده‌اند. از سوی دیگر، کشورهای پیشرفته از افزایش جمعیت در جوامع عقب افتاده جهان دم می‌زنند، در صورتی که ۲۰ درصد جمعیت دنیا که در کشورهای مرفه زندگی می‌کنند، حدود ۸۰ درصد منابع را مصرف می‌کنند و از این لحاظ سهم بسیار در تهی شدن منابع طبیعی، معدنی و آلوده شدن آب و هوا دارند (مهرآرا، ۱۳۸۲، صص ۷۵).

گروه دیگری از اکولوژیست‌ها موضع ملایم‌تری در این باره اتخاذ کرده‌اند.

وضعیت پایدار وضعیتی است که حداقل شرایط برای ثبات اکوسیستم‌ها و توانایی مقابله اکوسیستم با شوک‌ها را در طول زمان فراهم کند (پرمن، ۱۳۸۲، صص ۱۱۶).

برخی نیز به ترکیبی از آموزه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی اشاره کرده و گفته‌اند:

اصطلاح توسعه معطوف به ارتقای سطح و کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه جامعه است و پایداری آن اشاره به استمرار این فرایند در طول نسل‌های بشر دارد (متوسلی، ۱۳۸۲، صص ۵۳).

ایشان در ادامه بر ادعای خود، کلام سامسون را شاهد می‌آورد:

سامسون^۱ معتقد است که از یک‌سو، پایداری در توسعه پایدار به مسأله ظرفیت قابل تحمل کره زمین برمی‌گردد، فارغ از آنکه به مفاهیمی همچون نابرابری و عدالت اجتماعی توجه کند. از سوی دیگر، توسعه مستلزم رشد اقتصادی مستمر است، فارغ از آن‌که توان

1. Samson (1995)

اکولوژیک و گنجایش کره زمین در چه سطحی قرار دارد و چه محدودیت‌هایی بر مسیر رشد مستمر تحمیل می‌نماید. ترکیب این دو واژه مفهومی را می‌آفریند که بسیار بیش‌تر از حاصل جمع اجزاء است (همان).

مفهوم توسعه پایدار و عناصر اساسی آن

در بررسی ادبیات توسعه پایدار، معلوم شد که این پدیده از بعد زیست‌محیطی، بر دو محور اساسی حفظ محیط زیست و عدالت بین نسلی استوار است. از جهتی خود توسعه را نیز می‌توان به عنوان رکن دیگر توسعه پایدار برشمرد، وگرنه در صورتی که (مطابق دیدگاه زیست‌محیطان افراطی) هیچ استفاده‌ای از منابع نشود، محیط زیست حفظ شده و عدالت هم تأمین خواهد شد، زیرا همه نسل‌ها به طور یکسان از این مواهب محروم خواهند بود. اما بدهی است، چنین نتیجه‌ای را توسعه پایدار نمی‌خوانند. وجود دولتی قوی که نقش نظارتی خود را به خوبی انجام دهد، در کنار NGO های متعهد که همراه دولت بر این مهم نظارت داشته باشند و هم‌چنین بخش خصوصی کارآمد از الزامات اساسی توسعه پایدار است. فقدان آینده‌نگری و برنامه‌ریزی مناسب، اسراف و تبذیر در استفاده از منابع، فقدان قوانین و مقررات شفاف و نبود نظریه و دکترین مشخص، وجود بوروکراسی گسترده را نیز می‌توان از موانع تحقق توسعه پایدار برشمرد.

استخراج مبانی کلامی توسعه پایدار

در این قسمت با استفاده از آیات و روایات، مبانی کلامی مؤثر در توسعه پایدار را استخراج خواهیم کرد.

۱. ایمان به خداوند و آخرت‌گرایی

اولین اقدامی که پیامبران بعد از رسالت خود انجام دادند، تلاش در جهت دعوت انسان‌ها به اطاعت از خداوند و اعتقاد به عالم آخرت، و تقویت ایمان آنان بود. آنان به خوبی می‌دانستند که هرگاه ایمان به خداوند در دل فردی نفوذ کند، فعالیت‌های خود را همان‌گونه که خداوند می‌خواهد، انجام می‌دهد و هر چه عشق و ایمان او به خداوند فزونی یابد، نافرمانی‌های او کاهش می‌یابد. اعمالش رنگ خدایی می‌یابد، این اعتقاد منافع شخصی را با مصالح اجتماعی گره می‌زند. انسان در سایه این اعتقاد که ایثار و مقدم داشتن

مصالح جامعه به نعمت‌های جاودان بهشتی می‌انجامد، از لذت‌های زودگذر مادی می‌گذرد و حتی در راه مصالح جامعه فداکاری می‌کند.

در این نگاه، بسیاری از واژه‌های اقتصادی نظیر سود و مطلوبیت دگرگون شده و معنای گسترده‌تری می‌یابد (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۸۸). بر این اساس، انسان خداشناس و معتقد به معاد، هیچ‌گاه در استفاده از منابع طبیعی، حقوق دیگران را از بین نمی‌برد. او کار و تلاش و آبادانی زمین را عبادت می‌شمارد، هیچ نعمتی از خدا را ناسپاسی نمی‌کند و رفتار او موجب اتلاف و اسراف در آن‌ها نمی‌شود.

۲. اصل خلافت انسان در روی زمین

مکاتب غربی لیبرال، به منظور ارزش دادن به انسان، به عقیده خود او را از بندگی خداوند فارغ ساخته و او را مالک مطلق فرض می‌کنند. انسانی که امیالش اهداف و ارزش‌های او را برمی‌گزیند، عقلش راه دست‌یابی به آن اهداف را به خوبی نشان می‌دهد. موجودی که در شناخت حقیقت تنها به تجربه خود تکیه می‌کند، به پذیرش فرمان‌های اخلاقی دین، جامعه یا دولت ملزم نیست و تنها از امیال خویش فرمان می‌پذیرد (آریلاستر، ۱۳۶۷، صص ۱۹-۵۴). در مکتب الهی اسلام، انسان به عنوان اشرف مخلوقات و موجودی که هدف نهایی خلقت هستی است، شناخته می‌شود. با یافتن سمت جانشینی خداوند بالاترین رتبه را پیدا کرده است. انسان با چنین خصوصیتی، شایستگی تکریم خداوند را پیدا می‌کند. انسان در مقام جانشینی خداوند، رفتارش خداگونه شده و تلاش خواهد کرد تا حرکات و سکناات او در جهت کسب رضایت خداوند باشد. بدیهی است، رفتار چنین انسانی تخریب‌کننده محیط زیست و تضییع‌کننده حقوق افراد و حتی موجودات دیگر نخواهد بود. گرچه خداوند جهان را در تسخیر خلیفه خود قرار داده است،^۱ اما تسلط انسان بر طبیعت، رابطه‌ای با تخریب آن ندارد. بلکه این تسلط زمانی تخریب را به همراه دارد، که انسان رابطه خود را با خداوند فراموش کرده و خود را آنچنان که مکاتب اومانیستی و لیبرال معتقدند، حاکم علی‌الاطلاق زمین بدانند و اعتقاد به معاد و آخرت را هم فراموش کنند؛ در

۱. «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرَىٰ أَلْفُكُم فِيهِ يَوْمَئِذٍ وَتَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَتَعْلَمُونَ تَشْكُرُونَ» (جاثیه، ۱۲).

این صورت است که این فرصت به دست آمده را غنیمت شمرده و درصدد تصرف بیش تر بر طبیعت و تخریب بیش تر آن برمی آید.

۳. اصل امانت داری انسان

در نظام سرمایه داری اعتقاد به اصالت فرد، منجر به مسأله فرد مالکی و آزادی مطلق در فعالیت های اقتصادی می شود، بر این اساس، اکثر منابع زیست محیطی در مالکیت خصوصی افراد قرار دارد و آن ها می توانند به منظور حداکثر کردن سود خود و تأمین منافع مادی شان، هرگونه تصرفی در این منابع داشته باشند، به طور طبیعی، چنین نگاهی به اموال، همان گونه که از آثار آن مشاهده می شود، تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه را به همراه دارد. این در حالی است که انسان تعلیم دیده در مکاتب انبیا، مالک اصلی همه چیز را خداوند دانسته و اموالی که در اختیار اوست، اعم از اموال خصوصی و یا منابع زیست محیطی که در مالکیت دولت و یا بخش عمومی قرار دارد را به عنوان امانتی می نگرد که از طرف خداوند در اختیار او قرار داده شده تا در راه مصالح خود و افراد دیگر از آن ها استفاده کند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «ما امانت خود را بر آسمان و بر زمین و بر کوه ها عرضه داشتیم و همه آن ها از تحمل آن بار گران ابا کردند و امتناع ورزیدند و از آن ترسیدند. تنها انسان بود که گام پیش نهاد و قبول آن را به عهده گرفت.»^۱

در روایتی نیز امام صادق (ع) اموال را امانت خداوند در دست انسان دانسته است.^۲ بنابراین، با توجه به پذیرش این امانت بزرگ الهی از سوی انسان و مسؤولیت او در قبال خداوند، فعالیت های اقتصادی انسان نیز با قیدهایی محدود می شود. برخی از این قیدها را به طور کلی و ثابت، شرع تعیین کرده است. به طور مثال، انسان نمی تواند به صرف دارا بودن عوامل تولید، هر کالایی را که برای مصالح جامعه ضرر داشته باشد، تولید کند و به جامعه ارائه دهد یا هر چه می خواهد و هر مقداری از آن را مصرف کند. برخی از این

۱. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»

(احزاب، ۷۲).

۲. امام صادق (ع): المال مال الله يضعه عند الرجل ودائع (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۹۳).

مسئولیت‌ها نیز در اختیار دولت قرار گرفته و به او اجازه داده شده است تا هنگام ضرورت، در راستای تأمین مصالح مسلمانان، برخی از آزادی‌های انسان را محدود سازد. بر اساس همین منطق است که خداوند انسان‌ها را امر به انفاق از این اموال می‌کند و هم‌چنین نسبت به کیفیت تصرف در اموال خودشان، آنها را از اسراف و تبذیر منع می‌کند.

۴. اصل مسئولیت انسان

در آیات متعددی از قرآن، از مورد سؤال قرار گرفتن انسان در قیامت گفتگو شده است، علاوه بر این که مقتضای رستاخیز و اعتقاد به معاد نیز چنین است. از جمله آیه شریفه «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات، ۲۴).

در روز قیامت خطاب می‌شود، آنها را متوقف کنید، زیرا قرار است از آنها بازخواست شود. یا در آیه دیگر که اشاره شده است که اعضای بدن انسان از چشم، گوش و قلب مورد سؤال قرار می‌گیرند. این‌ها همه از مسئولیت بزرگ انسان خبر می‌دهند و معمولاً در تفاسیر دایره سؤال را گسترده دانسته‌اند، از جمله موارد بحث ما، یعنی مواهبی که در طبیعت برای استفاده انسان قرار داده شده است. آیا انسان این نعمت‌ها را در جای خود استفاده کرده است و یا در استفاده از آن دچار اسراف و .. شده است.^۱

آیه دیگری که با صراحت بیش‌تری به بحث ما مربوط می‌شود، آیه شریفه «تُمْ لْتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (التكاثر، ۸)؛ «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (الصافات، ۲۴) است. درباره این آیه مفسران نظرات زیادی ارائه کرده‌اند. بعضی گفته‌اند که منظور از این نعمت "سلامت" و "فراغت خاطر" است، و بعضی آن را "تندرستی" و "امنیت" می‌دانند و برخی همه نعمت‌ها را مشمول آیه شمرده‌اند. و در برخی از روایات هم گفته شده، مراد از نعیم، نعمت ولایت و نعمت اهل‌بیت است. در تفسیر نمونه در جمع روایات فرموده است:

تفسیر این روایات چنین است که "نعیم" یک معنی بسیار گسترده دارد که همه مواهب الهی را اعم از "معنوی" مانند دین، ایمان، اسلام، قرآن و ولایت، و انواع نعمت‌های

۱. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (الاسراء، ۳۶) و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

"مادی" را اعم از فردی و اجتماعی شامل می‌شود، منتها نعمتهایی مانند نعمت ایمان و ولایت اهمیت بیش‌تری دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۲۸۷).

در تفسیر المیزان نیز آمده است:

نعمت‌هایی که خدای تعالی به آدمی ارزانی داشته، انسان در مورد آنها مورد پرسش و بازخواست قرار می‌گیرد که چگونه و در چه راهی از آنها استفاده نموده است. زیرا خدای تعالی آنها را آفریده تا نعمت بشر باشند، و آنها را در طریق کمال بشر قرار داده، و بشر را دعوت کرده که شکر آن نعمت‌ها را به جا آورد، نه کفران کند و معلوم است که خود آدمی نمی‌تواند تشخیص دهد که داده‌های خدای تعالی را چگونه مصرف کند تا نعمت شود، و یا به عبارت دیگر، شکر باشد نه کفران، تنها راهنما در این زمینه، دین خداست که رسول خدا (ص) آن را آورده، و امامانی از اهل بیت خود را برای بیان آن دین نصب فرموده. بنابراین، سؤال از چگونگی مصرف نعمت است، به آن نحوی که رسول و امامان دستور داده‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۶۰۶).

یکی از نعمت‌های اساسی که فرد مسلمان خود را نسبت به آن مسؤول می‌داند، منابع زیست‌محیطی است. او می‌داند که نسبت به میزان استفاده از این منابع و کیفیت مصرف آن باید پاسخ‌گو باشد.

۵. هدفمندی جهان و وسیله بودن اموال

در بینش اسلامی جهان هدفمند آفریده شده است. هدف همه مخلوقات بر اساس آنچه از آیات الهی استفاده می‌شود، قرار گرفتن در مسیر تعالی انسان است و از طرفی انسان نیز به عنوان هدف سایر مخلوقات به منظور بندگی خداوند که تأمین‌کننده سعادت اوست، آفریده شده است. خداوند متعال کسانی که هدف زندگی را منحصر در این دنیا می‌دانند، سرزنش می‌کند و بر وجود دنیای دیگر تأکید می‌کند. گرچه همه هستی به منظور رفاه انسان آفریده شده است و انسان به استفاده از این نعمت‌ها تشویق شده است، اما همان‌گونه که اشاره شد، همه این‌ها باید در جهت هدف نهایی انسان، یعنی قرب خداوند و بندگی او باشد. بنابراین، برخورداری از نعمت‌ها گرچه مطلوب است، اما خود هدف نمی‌باشد، بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به هدفی عالی‌تر.

۶. عدالت

بر اساس آیات قرآن، جهان براساس عدل خلق شده است، قرآن مجید آفرینش آسمان‌ها، خورشید و ماه را منظم، ضابطه‌مند و بدون هیچ‌گونه نقص دانسته، می‌فرماید:

هر قدر در پی یافتن نقصان در خلقت باشی، درماندگی و زبونی بیش‌تری را تجربه می‌کنی (ملک، ۳ و ۴).

علاوه بر عدالت در عرصه تکوین، در تشریح نیز اراده خداوند بر این قرار گرفته که همگان از نعمت‌های او استفاده کنند. در قرآن بارها بر این واقعیت تأکید شده است.^۱

علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌فرماید:

این حقیقت قرآنی است که پایه بسیاری از مقررات در اسلام به‌شمار می‌رود. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمیع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح عامه با آن مخالفت نداشته باشد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۳).

بنابراین، تمام گونه‌های حیوانی و گیاهی و نیز آنچه در زمین و آسمان است، در چرخه حیات ضروری است. از سوی دیگر، نعمت‌های خداوند به همه انسان‌ها تعلق دارد و حتی سایر موجودات نیز از این مواهب سهم دارند و در برخی مواقع حق آنان بر انسان مقدم می‌شود، مثلاً در شرایط کمبود آب و نیاز حیوانی به آن، انسان نمی‌تواند با آن آب وضو بگیرد، بلکه باید برای نماز تیمم کند. حقوق نسل‌های آتی نیز در استفاده از منابع گوشزد شده است. اصولاً توصیه فراوان به وقف، وصیت و گذاشتن ارث، نشان اهمیت دادن مکتب اسلام به نسل‌های بعد است.

۷. تقوا سبب نزول برکات الهی

«اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی آنان [به جای ایمان] تکذیب کردند [و کفر ورزیدند] پس ما هم، به خاطر کردارشان، آنان را [با قهر خود] گرفتیم».^۲

۱. «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، ۲۹)؛ «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (رحمن، ۱۰).

۲. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف، ۹۶).

«برکات، جمع برکت به موهبت‌های ثابت و پایدار گفته می‌شود، در مقابل چیزهای گذرا. در معنای برکت کثرت، خیر و افزایش وجود دارد. برکات شامل برکت‌های مادی و معنوی می‌شود. از این آیه استفاده می‌شود که باید اکثریت جامعه اهل ایمان و تقوا باشند (أهل القرى) تا مشمول الطاف و برکات شوند و نیز می‌توان استفاده کرد که سرمایه‌گذاری روی فرهنگ معنوی جامعه، بازده اقتصادی هم دارد» (قرائی، ۱۳۷۴، صص ۱۳۲ و ۱۳۳).

این سنت به طور خاص با توسعه پایدار نزدیکی دارد. به‌علاوه توسعه پایدار را در نگاه اسلام متفاوت از سایر مکاتب مادی می‌کند. زیرا در وحله اول بین امور معنوی و توسعه ارتباط برقرار می‌کند و این ارتباط را تصادفی نمی‌داند، بلکه به صورت یک قانون مطرح می‌کند؛ این در حالی است که چنین ارتباطی در مکاتب مادی قابل درک نمی‌باشد. از طرفی همان‌طور که در معنای برکت گذشت، در معنای برکت دو چیز نهفته است. خیر فراوان و پایدار. بنابراین در نگاه اسلامی، رشدی قابل قبول است که همراه با خیر باشد و به عبارت دیگر، انسان را به حیات طیبه برساند. از طرفی، این خیر فراوان و پایدار است و این چیزی است که موجب پایداری توسعه خواهد شد. توسعه‌ای که با تخریب محیط‌زیست همراه باشد، قطعاً خیر نخواهد بود و برکت بر آن صدق نمی‌کند، همین‌طور توسعه‌ای که به تضییع حقوق افراد دیگر منجر شود، ظالمانه است و مسلماً برکت ظلم را در بر نمی‌گیرد.

یکی از اقتصاددانان مسلمان درباره این آیه چنین می‌نویسد:

«شاید یکی از دلایل منطقی اسلام برای این نظریه این باشد که افراد نتیجه ایمان به خداوند و انجام احکام شرع را ملاحظه کنند. ایمان به خدا، یعنی اعتقاد به حضور دائمی ذات باری تعالی در همه امور اجتماع. حاصل این ایمان عبارت است از اخلاق کاری قوی، معامله مبتنی بر صداقت و درستی، تولید کارآمد، پرهیز از اسراف و تبذیر، عدالت و گردش ثروت با توجه به قبول خطر و عواید مترتب بر آن، وفای به عهد و حداکثر تعادل در فعالیت‌های اقتصادی و آزادی معاملات در چارچوب احکام شرع. خلاصه این که هر گاه افراد جامعه به ارزش‌های اسلامی ایمان آورده و به آن عمل کنند، اقتصادی قدرتمند، پویا و بالنده خواهند داشت که در آن همه سرچشمه‌های ایجاد توزیع نامتعادل درآمد و ثروت

مسدود می‌گردد و تمام راه‌هایی که مانع پیشرفت اقتصادی جامعه می‌شود، از میان برمی‌دارد. در چنین نظامی بی‌ثباتی فقط از خارج از نظام می‌تواند وارد شود (حسنی، ۱۳۷۳، ص ۸۳).

ایشان تنها آثار عقلی و عملی ایمان و تقوا را، بدون در نظر گرفتن امدادهای غیبی، بیان کرده است. این مطلب، در جای خود، درست است؛ ولی آیه یاد شده بر چیزی بیش از این دلالت دارد و تقوای الهی را کلید گشایش درهای رحمت الهی و نزول امدادهای غیبی معرفی می‌کند.

۸. شکر سبب فزونی نعمت‌ها

«اگر سپاس‌گزار نعمت‌های الهی باشید، آن نعمت‌ها را می‌افزاییم و اگر کفران نعمت کنید، البته عذاب من شدید است.»^۱

یکی از معانی شکر در این آیه، شکر عملی است؛ یعنی استفاده درست از نعمت‌های خداوند. شهید مطهری (ره) این آیه را چنین معنا می‌کند: اگر از مواهب الهی قدردانی و حق‌شناسی کنید و به نحو مطلوب بهره‌برداری نمایید، آن‌ها را بر شما افزایش می‌دهیم و اگر ناسپاسی کنید و آن نعمت‌ها را بیهوده در راه خلاف مصرف کنید، عذاب من البته شدید است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۲۳۶).

یکی از نعمت‌های خداوند متعال، مال است. راه درست استفاده از دارای رفع نیازهای خود و دیگران و پرهیز از اسراف و تبذیر است. اگر ثروت در این راه مصرف شود، خداوند متعال بر آن خواهد افزود؛ ولی اگر در مسیر گناه به کار گرفته شود، خداوند آن را مایه عذاب شدید آخرت قرار می‌دهد.

توسعه پایدار بر اساس مبانی کلامی اسلام

اکنون پس از بررسی مبانی کلامی توسعه پایدار، در صدد تصویر توسعه پایدار از منظر نظام اقتصادی اسلام هستیم.

در ابتدای مقاله بیان شد که توسعه پایدار توسعه‌ای است که ضمن حفظ محیط‌زیست، حقوق نسل‌های آتی را نیز پاس دارد. بنابراین اولین و اساسی‌ترین گام در توسعه پایدار،

۱. «لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید» (ابراهیم، ۷).

اصل توسعه‌یافتگی است، پرسش اساسی در این است که ما به دنبال پایدار کردن چه چیز هستیم. گرچه نگرانی برخی از کشورهای توسعه یافته در این است که رشد اقتصادی با سرعتی که شروع شده، نمی‌تواند دوام داشته باشد، اما پایداری چنین توسعه‌ای، پایدار نمودن بی‌عدالتی، مصرف‌گرایی و تکاثرطلبی است که مسلماً ادیان الهی و از جمله اسلام با آن سازگار نمی‌باشد. علت اساسی تفاوت توسعه‌یافتگی در نظام اسلامی و مکاتب مادی در تعریف انسان در این دو مکتب است که تفصیلاً بررسی شد. انسان مورد نظر اسلام در بستر توسعه، نه گرفتار دستاورد رشد خود ساخته شده و نه دچار بحران معنویت و به دنبال آن بحران هویت و نه گرفتار زهد خشک و روح صوفیانه می‌شود، بلکه با برخورداری از مواهب دنیا در کنار آینده روشن اخروی، در مسیر عدالت، طی طریق می‌کند.

توسعه یافتگی در منظر اسلام

بر اساس نتایجی که در بخش قبل یعنی مبانی کلامی توسعه گرفتیم می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های توسعه‌یافتگی در نظام اسلامی را استنباط کرد. بدیهی است که این ویژگی در برخی موارد با توسعه‌یافتگی متداول متفاوت خواهد بود.

رشد معنویت و تربیت جامعه صالح

تفاوت اساسی راهبردهای توسعه سکولارمحور، با راهبردهای دینی، در این است که مکاتب الهی به لحاظ این که هدف اصلی خلقت انسان را تقرب به خداوند می‌دانند و معتقدند، فقط اندکی از کمال انسان در این دنیا تحقق می‌یابد و بیش‌تر آن در دنیای دیگر است، بنابراین، تأکید اصلی راهبردهای ارائه شده از جانب این مکاتب به خصوص دین اسلام برای توسعه، بر این است که برنامه‌ریزی در جهت تحقق اهداف توسعه و رسیدن به آبادانی دنیا و آسایش همگانی باید با توجه به این هدف انجام شود. گسترش دانش و تأمین بهداشت و امنیت و رفاه جامعه وقتی ارزشمند است که در این چارچوب باشد، نه به قیمت فداکردن ارزش‌های معنوی و از یاد بردن هدف اصلی، یعنی سعادت اخروی. البته این سخن به معنای بازماندن از دانش و رفاه نیست؛ بلکه اصولاً جدایی و تفکیک بین این دو وجود ندارد (قصص، ۷۷).

رفاه عمومی

همان‌طور که در ویژگی اول گذشت، بهره‌مندی از نعمت‌های خداوند در این دنیا، نه تنها با سعادت انسان در دنیای دیگر منافات ندارد؛ بلکه آنان که از راه‌های مشروع در پی فراهم کردن اسباب رفاه خود و خانواده خویش برمی‌آیند، مورد تشویق نیز قرار گرفته‌اند. اعتقاد ما بر این است که خداوند امکانات مورد نیاز برای رفاه بشر را آفریده و مسخر او کرده است و کمیابی به معنایی که افراد بشر در تأمین نیازهای خود با مشکل مواجه باشند، وجود ندارد. بدیهی است که استفاده از این امکانات باید طبق آموزه‌های دین بوده و از اسراف و تبذیر پرهیز شود. تقوا و اطاعت از اوامر خداوند، در حوزه استفاده از این منابع، افزایش و برکت آن‌ها را به دنبال خواهد داشت.

برقراری رفاه از اهداف الگوهای توسعه سایر نظام‌های اقتصادی نیز شمرده می‌شود؛ با این وجود، رفاه نظام اسلام با رفاهی که در دیگر نظام‌ها مطرح است، تفاوت دارد. در الگوی توسعه اسلام رفاه به امور زیر مقید است:

الف. مشروعیت و پرهیز از غفلت زدگی

جامعه‌ای که از افراد خداشناس و معتقد به عالم رستاخیز تشکیل شده است، رفاهی را که همراه با گناه باشد نمی‌پذیرد. در چنین جامعه‌ای توسعه و رفاه و برخورداری از نعمت‌های خداوند هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است برای تحقق اهداف عالی اسلام. افراد این جامعه در استفاده از منابع خدادادی، از هرگونه اسراف و تبذیر و تضییع حقوق دیگران پرهیز می‌کنند. آنچه امروزه در بسیاری از کشورها رفاه خوانده می‌شود، بیش‌تر مصرف‌زدگی و به نوعی اسراف است. ترویج فرهنگ مصرف کالاهای لوکس، به منظور افزایش تقاضا برای فرآورده‌های کارخانه‌ها، به معنای از بین بردن منابع اولیه متعلق به نسل‌های آینده و آلوده ساختن محیط زیست است و از مصادیق و نمونه‌های اسراف در چنین جوامعی شمرده می‌شود.

همگانی بودن

در مبانی کلامی بر اصل عدالت، به عنوان رکن اساسی عالم خلقت اشاره کردیم، از طرفی افراد مسلمانان به عنوان جانشینان خداوند و امانت‌داران او، راضی نخواهند شد که خود از مواهب خداوند استفاده کرده و دیگران محروم باشند. در چنین نظامی، رفاهی

پذیرفته است که منحصر در گروه خاص نباشد. در این نظام، حتی به حقوق اقلیت‌ها نیز توجه شده است. حضرت علی (ع) از عدم توجه به مرد بیکار و فرتوت مسیحی، ناراحت شد و فرمان داد تا نیازهای وی را از بیت‌المال برآورده سازند (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶، ص ۱۲۲۸).

عدالت درون نسلی و بین نسلی

به نظر می‌رسد، هرگاه توسعه مطابق آموزه‌های اسلامی محقق شود، مؤلفه‌های پایداری، یعنی عدالت و حفظ محیط زیست را خواهد داشت و بیان این دو رکن توسعه پایدار در اینجا از باب تأکید بر آن‌ها می‌باشد.

در تبیین مبانی کلامی، عدالت به عنوان یکی از مبانی بیان شد و اشاره کردیم، از آیات و روایات استفاده می‌شود که همه مردم و همه نسل‌ها در برخورداری از مواهب خداوند سهیم هستند و هر گونه تبعیض و بی‌عدالتی از ساحت دین مقدس اسلام به دور است. یکی از سؤال‌هایی که انسان در قیامت باید پاسخ دهد، این است که چرا نعمت‌های خدادادی را در انحصار خود قرار داده است و چرا سهم نسل‌های بعد را تضییع کرده است. انسان به عنوان امین خداوند و وکیل او حاضر نخواهد شد که در اموالی که متعلق به همگان است، تجاوز کند.

از سوی دیگر، شکر نعمت‌های خداوند به معنای استفاده کارآمد و غیرممتدازانه از این منابع، سبب برکت آن‌ها شده و رزق نسل‌های بعد را گسترش می‌دهد.

اصولاً توصیه فراوان به وقف، وصیت، و گذاشتن ارث، نشان اهمیت دادن مکتب اسلام به نسل‌های بعد است. بحث توزیع اولیه منابع، یکی از مباحث مورد توجه نظام اقتصادی اسلام بوده و راهکارهایی به منظور تحقق عدالت در توزیع ارائه شده است. تشریح مالکیت دولتی برای منابع طبیعی (انفال) طبق تصریح قرآن مجید به همین منظور است.

آنچه خدا از (دآراء) ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر (او) و متعلق به خویشاوندان نزدیک (وی) و یتیمان و بینوایان و درراه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگرند.^۱

۱. «مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۷).

حفظ محیط زیست

رکن دیگر توسعه پایدار، حفظ محیط زیست و بلکه ارتقای آن است. براساس تصویری که از انسان و طبیعت در مبانی کلامی بیان کردیم، جهت‌گیری اسلام در آفرینش انسان این است که خداگونه شود و همه زمینه‌های لازم اعم از عقل و فطرت به عنوان رسول باطنی در کنار پیامبران به همراه کتاب راهنمای زندگی، را در اختیار او گذاشته و از جمله به او سفارش کرده که امانتی را که به عنوان ابزاری در راستای تکامل او در اختیارش نهاده شده را به خوبی حفظ کند.

هرگاه آدمیان به این تعالیم گوش جان سپرده و عمل کنند و راه و رسم بندگی و خلیفه‌اللهی را بیمایند و با امانتی که خداوند در اختیارشان قرار داده، براساس رهنمودهای ارائه شده از جانب دین عمل نمایند، مشکلات فراوان زیست محیطی که اکنون با آن مواجه هستیم، رخت برمی‌بندد. مثلاً هر گاه انسان‌ها حقوق یکدیگر را رعایت کنند، در بهره‌برداری از مواهب طبیعت راه اعتدال را پیش گرفته و دست از زیاده‌طلبی، حرص و آز، اسراف و اتلاف بردارند، در این صورت همین دنیای خود را بهشت می‌یابند. با این وجود، علاوه بر این که جهت‌گیری ادیان الهی رسیدن انسان به نقطه اوج کمال و انسانیت است، برای پرهیز از غیر واقع‌گرایی، راهکارهایی در متن دین دیده شده تا جوامع در هر سطحی از ایمان به خداوند و عامل به فرامین و رهنمودهای دینی باشند و بتوانند محیطی نسبتاً سالم داشته و از تجاوز انسان‌های متخلف جلوگیری کنند.

از نگاه آموزه‌های اسلامی، وجود تمام گونه‌های حیوانی و گیاهی و نیز آنچه در زمین و آسمان است، در چرخه حیات ضروری است. از سوی دیگر نعمت‌های خداوند به همه انسان‌ها تعلق دارد و حتی سایر موجودات نیز از این مواهب سهم دارند و در برخی مواقع حق آنان بر انسان مقدم می‌شود، مثلاً در شرایط کمبود آب، و نیاز حیوانی به آن، انسان نمی‌تواند با آن آب وضو بگیرد، بلکه باید برای نماز تیمم کند.

نتیجه

در این مقاله، توسعه پایدار را تعریف کرده و الزامات و موانع آن را نیز بیان کردیم. در ادامه با استفاده از آیات و روایات، مبانی کلامی توسعه پایدار از منظر اسلام را استخراج

کردیم و ارتباط آن‌ها را با توسعه پایدار ملاحظه کردیم. به‌علاوه، در هر یک از این مبانی، در یک مقایسه اجمالی، تفاوت این نگرش را با جهان‌بینی لیبرالیسم بیان کردیم. مطابق جهان‌بینی اسلامی، جهان هدفمند بوده و نعمت‌های خداوند در این جهان وسیله‌ای برای رسیدن به کمال مطلوبی است که برایش در نظر گرفته شده است. اعتقاد به جهان غیب علاوه بر جهان مادی و به عنوان محل نزول برکات خداوند از دیگر عناصر این جهان‌بینی است. عنصر تقوی و شکر و رابطه‌ای که با نزول برکات از جهان غیب به جهان مادی دارد، از جمله سنت‌هایی است که بر این جهان حاکم است و این از نقاط تمایز دو جهان‌بینی اسلامی و لیبرالیسم است. انسان نیز به عنوان خلیفه خداوند و امین او در روی زمین، بر دیگر موجودات برتری داده شده و مورد تکریم خداوند قرار گرفته و در عین حال، همواره کنش‌های او مورد سؤال قرار می‌گیرد. اعتقاد به خداوند و عالم آخرت تأثیر فراوانی در اعمال او گذاشته و زمینه‌های فساد و تباهی در زمین و ظلم در حق دیگران را از بین می‌برد. چنین انسانی که خدای خود را قادر و ناظر در همه لحظات زندگی خود دانسته و ضمن اعتقاد به عالم آخرت، به ارزشمندی دنیا نیز معتقد است و رستگاری آخرت خود را نیز در این دنیا جستجو می‌کند، هیچ‌گاه در صدد تخریب نعمت‌های خدادادی برنیامده و آن را در انحصار خود قرار نمی‌دهد. جامعه‌ای که از چنین افرادی تشکیل شده، زمینه‌ساز توسعه پایدار بوده و رفاه را برای همگان به ارمغان خواهد آورد.

منابع و مأخذ

۱. آذرننگ، عبدالحسین (۱۳۶۴)، "تکنولوژی و بحران محیط‌زیست"، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲. آربلاستر، آنتونی (۱۳۶۷)، "ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب"، ترجمه عباس مخبر، چ اول، تهران، نشر مرکز.
۳. آسافو، جان (۱۳۸۱)، "اقتصاد محیط‌زیست برای غیراقتصاددانان"، سیاوش دهقانیان و زکریا فرج‌زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۴. احسائی، ابن‌ابی‌جمهور (۱۴۰۵)، "عوالی الالکی"، قم، انتشارات سیدالشهداء.
۵. برنامه توسعه سازمان ملل (۱۹۹۴)، "گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴"، قدرت‌الله معمارزاده، بی‌جا، بی‌نا.
۶. بونفو، ادوارد (۱۳۷۵)، "آشتی انسان و طبیعت"، صلاح‌الدین محلاتی، چ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۷. پانایوتو، تودور (بی‌تا)، "بزارهای تحول برای فراهم‌کردن موجبات توسعه پایدار"، سید امیر ایافت، چ اول، تهران، سازمان حفاظت از محیط زیست.
۸. پرکینز، گیلیس؛ اسنودگراس، رومر (۱۳۷۹)، "اقتصاد توسعه"، غلام‌رضا آزاد، چ اول، تهران، نشر نی.
۹. پرمن راجرز، یوما؛ مک‌گیل، ری جیمز (۱۳۸۲)، "اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی"، حمیدرضا ارباب، چ اول، تهران، نشر نی.
۱۰. ترنر، آر. ک؛ باتمن، دی؛ پیرس، ای (۱۳۷۴)، "اقتصاد محیط‌زیست"، سیاوش دهقانیان و عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، "انتظار بشر از دین"، تحقیق محمدرضا مصطفی‌پور، چ اول، قم، نشر اسراء.
۱۲. حسنی، باقر (۱۳۷۳)، "مقالاتی در اقتصاد اسلامی"، ترجمه حسین گلریز، تهران، نشر مؤسسه بانک‌داری ایران.
۱۳. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی (۱۴۱۳)، "الحیاء"، چ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. خلیلیان، محمد جمال (۱۳۸۴)، "شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام"، قم، مؤسسه امام خمینی.
۱۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴)، "مبانی اقتصاد اسلامی"، چ دوم، تهران، سمت.
۱۶. رضی، ابوالحسن‌الشریف (۱۳۶۸)، "نهج‌البلاغه"، سیدجعفر شهیدی، چ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۷. زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷)، "الكشاف عن حقایق غوامض التنزیل"، ج ۲، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۸. صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۹)، "خلافت انسان و گواهی پیامبران"، ترجمه سیدجمال موسوی، چ اول، تهران، انتشارات روزبه.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا)، "المیزان فی تفسیر القرآن"، قم، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه.
۲۰. قرائتی، محسن (۱۳۷۴)، "تفسیر نور"، قم، مؤسسه در راه حق.
۲۱. کاپلستون، فردریک (۱۳۷۶)، "تاریخ فلسفه"، ج ۸ ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش.
۲۲. گلدمن، لوسین (۱۳۷۵)، "فلسفه روشن‌گری"، ترجمه و پژوهش شیوا کاویانی، چ اول، تهران، انتشارات فکر روز.
۲۳. متوسلی (۱۳۸۳)،
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۱۶)، "میزان الحکمه"، چ اول، قم، التنقیح الثانی.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، "مجموعه آثار استاد شهید مطهری"، قم، صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی و همکاران جمعی از نویسندگان (۱۳۷۳)، "تفسیر نمونه"، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مهرآرا، محسن؛ تصدیقی، بهروز (۱۳۸۲)، "توسعه پایدار مبانی فلسفی از دیدگاه اکولوژیست‌ها و اکونومیست‌ها"، تهران، دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.
۲۸. هندی، علاءالدین (۱۳۹۷)، "کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال"، چ اول، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی.